

نگرشی بر حضور زنان لبنانی در عرصه‌های فرهنگی

عزت ملاابراهیمی*، اکرم روشنفکر**

چکیده: در سده‌های اخیر با فراهم آمدن فضای آزاد و بستر مناسبی برای حضور زنان در جوامع بشری و انجام فعالیت‌های ارزنده‌ای در عرصه‌های سیاسی، تجاری، فرهنگی، فکری و ادبی، این جوامع به رشد و شکوفایی فزاینده‌ای دست یافتند و دگرگونی‌های اساسی در آن‌ها پدید آمد. زنان جامعه‌ی لبنان نیز از این امر مستثنی نبودند. آنان به رغم چالش‌های پیش رو نه تنها در عرصه فرهنگی و اجتماعی خوش درخشیدند و فعالیت‌های ثمربخش خود را تا حضور در کنفرانس‌های فرهنگی و سیاسی داخل و خارج از کشور گسترش دادند، بلکه در عرصه‌های هنری و ادبی نیز به خلق آثار ماندگاری دست زدند، که کمتر نظیری برای آن در سایر کشورهای عربی می‌توان یافت.

واژه‌های کلیدی: زنان، لبنان، فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، ادبی.

مقدمه

با نگاهی به نقشه‌ی سیاسی خاورمیانه عربی و مطالعه در نحوه‌ی پیدایش مرزهای جدید در سده‌ی اخیر می‌توان اولین نمود استیلاء کشورهای غربی را که با تجزیه امپراطوری مسلمان نشین عثمانی صورت پذیرفت، مشاهده نمود. در نتیجه با جهت‌گیری نوک پیکان تجارت و صنعت از غرب به شرق رابطه‌ی یک‌سویه‌ای در حوزه‌ی معیشت خاورمیانه شکل گرفت و در حوزه‌ی خردورزی با تقلید از غرب صورت پذیرفت. پس از آن تقلید در پیامدی تیره، به تأیید محض آراء و افکار اندیشمندان غربی و صحه نهادن بر سیاست استیلاء غرب بر شرق انجامید و فرهیختگان مشرق زمین را بر آن داشت تا به انتقاد از نظریه‌پردازان غربی دست یازند. ویژگی اصلی این انتقاد معلوم داشتن اصالت نظر و جداسازی آن از التقاطی دامن‌گیر بود که

خردورزان شرقی را به ورطه‌ی دنبال‌روی از مفاهیم ثانوی نظرات متفکران غربی کشانده و به استحال‌اندیشه سوق می‌داد. البته مؤثرترین روش انتقاد آراء، بیان واژگان و تعریف اصطلاحات و شناخت فضای واژه‌سازی و اصطلاح‌پردازی است که رویکرد تمام محصلان مدرسه‌ی خردورزی قرار گرفت و پرسش‌هایی را برانگیخت. نخستین پرسش درباره حضور اجتماعی، فرهنگی و ادبی زنان عرب زبان در سرزمینی بود که بر ساحل مدیترانه امتداد و با نام «جمهوری لبنان» موجودیت یافته بود.

بی‌شک در محدوده‌ی خاورمیانه‌ی عربی، سواحل شام به لحاظ حوزه‌ی آبی مشترک با اروپا از شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه‌ی قرن نوزدهم کشورهای اروپایی بیش از مناطق دیگر تأثیر پذیرفته و منطقه‌ی جبل لبنان در شرق دریای مدیترانه به دلیل گذار از دوران تحت‌الحمایگی با آن‌که فضای پرآشوبی را پشت سر نهاد، ولی به دلیل آشنایی با تمدن غرب تجربیاتی از حضور زنان را به دست آورد. البته برای بیان صورت‌های حضور زنان لبنانی در جامعه و شیوه‌ی تحقق آن ابتدا باید به زمینه‌های حضور اجتماعی ایشان پرداخت.

به نظر می‌رسد این حضور با آموزش نوآموزان شروع شد و با فعالیت هیأت‌های تبلیغی-تبشیری و دایر کردن مدارس تحقق یافت. هر چند در دوران تحت‌الحمایگی در لبنان حق آموزش رایگان وجود نداشت و از آن‌جا که این مدارس به صورت بنگاه‌های آموزشی اداره می‌شد، عموم مردم به دلیل عدم توانایی پرداخت شهریه از ثبت نام دانش‌آموزان خود در مقاطع بالاتر صرف‌نظر می‌کردند (صمیلی، ۱۹۸۰: ۲۸). افزون بر آن آموزش عالی پسران با دختران تفاوت فاحشی داشت. با این حال تدریس علوم و ادبیات به زبان بیگانه و عموماً زبان فرانسوی راه آشنایی محصلان را با فرهنگ و ادبیات فرانسه گشود و آنان را با اندیشه‌های جدید آشنا نمود. اندیشه‌هایی که دگرگونی سیاسی و اجتماعی را به روشن‌فکران لبنانی الهام کرد و آنان را منادیان اصلاح طلبی قرار داد (خطیب، ۱۹۶۶: ۲۳-۲۷؛ گیب، ۱۳۶۶: ۱۳؛ موسی، ۱۹۸۰: ۲۳).

این اصلاحات با درخواست حق رأی و آزادی زنان مطرح شد و در قالب انجمن‌های علمی-ادبی، خیریه و سازمان‌های امور بانوان شکل گرفت و در نتیجه‌ی فعالیت بانوان در چاپ روزنامه‌ها و مجلات تخصصی صورت ادبی به خود گرفت و از این طریق بیداری زنان وارد حوزه‌ی ادبیات گردید و رفته‌رفته شاخه‌ی جدیدی از ادبیات که امروزه «ادبیات زنان» نامیده می‌شود، پدیدار شد (مقدسی، ۱۹۸۸: ۲۷۱-۲۷۷؛ خطیب، ۱۹۶۶: ۱۱). حضور اجتماعی بانوان لبنانی به اوایل سده‌ی نوزدهم میلادی باز می‌گردد. آنان در قالب تشکیل جمعیت‌های خیریه جهت همیاری با قشرهای آسیب‌پذیر جامعه، به فعالیت پرداختند. زیرا مردم لبنان در

نگرشی بر حضور زنان لبنانی در عرصه‌های فرهنگی ۱۰۹

آن زمان به دنبال بحران‌های داخلی ناشی از جنگ‌های بی‌حاصل عثمانیان به شدت ناتوان و آسیب‌پذیر شده بودند. پس از آن زنان در جریان جنگ جهانی اول در برخی مشاغل جزئی حکومتی به کار گرفته شدند، که عمدتاً با فعالیت‌های حزبی ایشان همراه بود. با این همه جلوه‌های مشارکت بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، تا سده‌ی بیست میلادی آهنگ بسیار کندی داشت. علیرغم حضور شماری از بانوان لبنانی در کنفرانس‌های متعدد بین‌المللی از جمله کنفرانس بیروت در ۱۹۲۸، کنفرانس تهران در ۱۹۳۲ و کنفرانس دمشق در ۱۹۳۳ که به منظور مطرح کردن خواسته‌هایشان برای کسب آزادی بیشتر صورت می‌گرفت، اما تا آغاز سال ۱۹۴۳ دست‌یابی به آن چندان میسر نشد.

هم‌زمان با پایان دوره‌ی تحت‌الحمایگی لبنان و اعلام استقلال این کشور، جنبش زنان نیز در کشاکش یکسری رخدادهای سیاسی به موفقیت‌های چشمگیری در زمینه اشتغال و آموزش دست یافت (مغیزل، ۱۹۸۵: ۲۲). افزون بر آن برخورداری از حق رأی از دیگر رهیافت‌های او به‌شمار می‌رفت، که عمدتاً تحت تأثیر فضای فکری حاکم بر شرق عربی شکل می‌گرفت (شرابی، ۱۳۶۸: ۱۰۸-۱۰۴).

حضور زنان و چالش‌های پیش‌رو

بانوان لبنانی که از سال ۱۹۲۴ بر پایه‌ی حفظ منافع مشترک، در کانون‌های مختلفی با عنوان «اتحاد نسائی» به فعالیت می‌پرداختند، از آن پس در جمعیت‌های کوچک‌تری که در واقع شاخه‌هایی از همان «اتحاد نسائی» بود، پراکنده شدند و تشکل‌های جدیدی را با نام «التضامن النسائی» پدید آوردند (خطیب، ۱۹۹۶: ۱۷۵). البته به نظر می‌رسید که پراکندگی حزبی زنان و شاخه‌شاخه شدن جنبش آنان، معلول جامعه‌ی متکثر لبنان باشد و از نظام سیاسی قومی و فرقه‌ای حاکم بر این کشور تأثیر پذیرفته است. تعدد و فرقه‌گرایی نمای ساختار جامعه‌ی لبنان است که نه تنها واقعیت اجتماعی بلکه ماهیت نظام سیاسی کشور را ترسیم می‌کند. به عبارت دیگر ساخت سنتی قدرت سیاسی بر اساس توازن فرقه‌ای استوار شده‌است. به این معنا که مجموعه اراده‌هایی که حاکمیت دولت را پدید می‌آورد، حاصل خواست و تمایل رهبران فرقه‌ها است، که قدرتمندان سیاسی و اقتصادی جامعه‌ی لبنان هستند. بر اساس قانون اساسی موجود نخست وزیر لبنان از اهل سنت، رئیس مجلس از شیعیان و تعدادی از وزرای کابینه از فرقه‌های مهم کشور مانند ارتدکس‌ها، کاتولیک‌های یونانی تبار و دروزی‌ها برگزیده می‌شوند (نادری، ۱۳۷۶: ۱۰۳-۱۰۲). افزون بر

آن فقدان خود اتکائی فکری جنبش زنان لبنان در نظریه پردازی از قدرت پاسخگویی آنان به تحولات موجود جامعه می کاست (خطیب، ۱۹۹۶: ۱۷۵، ۱۸۵).

هر چند آن ناتوانی زینده بانوان لبنانی نبود، اما تفاوت‌های معنی داری را میان جنبش زنان لبنانی و فمینیسم پدید. از آن رو که این جنبش درصدد جستارهای فلسفی نبود و به جای کنجکاوی در اساس ایدئولوژیک درخواست‌های زنان، اصلاح شرایط را بر پایه‌ی واقعیت‌های اجتماعی موجود می‌جست. بی‌تردید زیربنای جامعه‌ی لبنان از اقوام و طوایف مختلف و با حاکمیت ادیان متنوع شکل گرفته و ترکیب پیچیده‌ای از آداب و رسوم حاکم را پدید آورده، که در ساختار جامعه و خانواده نفوذ کرده بود. آن ادیان عبارتند از یازده فرقه‌ی مسیحی (مارونی، ارتدکس، کاتولیک، ارمنی ارتدکس، ارمنی کاتولیک، پروتستان، سریانی ارتدکس، سریانی کاتولیک، لاتینی، کلدانی، نستوری)، پنج فرقه‌ی اسلامی (شیعه، اهل سنت، دروزی، علوی، اسماعیلی) و یهودیان که کم‌اهمیت‌ترین فرقه لبنانی را تشکیل می‌دهند (نادری، ۱۳۷۶: ۱۴ - ۱۳).

شاید از این روست که اساس تشکیلات جامعه‌ی لبنان را تشکیلات دینی برشمرده‌اند (بستانی، ۱۹۸۸: ۶۵) و آن را دارای ضوابط طایفه‌ای دانسته‌اند، که بر اساس آن حقوق اجتماعی و جایگاه طبقاتی خانواده‌ها و افراد معین می‌گردد؛ موقعیت زن نیز مشخص می‌شود و او می‌تواند از حقوق فردی و شهروندی برخوردار گردد. اما این حقوق همواره نیازهای زنان را تأمین نمی‌ساخت. به این دلیل آنان خواسته‌های خود را ضمن درخواست‌های بانوان دیگر جسته و از پشتوانه‌ی «هویت جمعی» بهره‌مند گشتند و در این زمینه به موفقیت‌هایی نیز دست یافتند. در نتیجه تحولات جدیدی در جامعه‌ی لبنان رخ داد و طی آن سه تن از بانوان این کشور به پارلمان راه یافتند. اندکی بعد دو نفر دیگر در پست معاونت و یک نفر نیز در سمت قائم‌مقام وزارت‌خانه به کارگمارده شدند.

در واقع زنان لبنانی از آن پس تا حدودی توانستند، حقوق اجتماعی و سیاسی قابل توجهی به دست آورند. با این حال حضور فعال‌تر زنان در مراکز تصمیم‌گیری مستلزم تلاش بیشتر خود او بود. به گفته عواطف عثمان هر چند زنان لبنانی از حقوق چشمگیری برخوردار گشته‌اند، اما تا زمانی که آموزش نینند و از تحصیلات و فرهنگ عالی بهره‌ای نگیرند، نمی‌توانند با مردان به رقابت برخیزند (File: A: welcome to Ndw.htm).

واقعیت این است که زن لبنانی بر نیروهای فعال در امر توسعه و پیشرفت در میان جامعه تأثیرگذار بود. تقسیم کار و ارزش‌های بنیادی نیز بر نوع فرصت‌هایی که زنان در مراحل مختلف زندگی خود به دست می‌آوردند، اثر می‌گذاشت و بیانگر نقش و مسئولیت‌هایی بود که بر دوش آنان قرار داشت.

نگرشی بر حضور زنان لبنانی در عرصه‌های فرهنگی ۱۱۱

جنگ داخلی و ستیزه‌جویی‌های همیشگی رژیم صهیونیستی، تحول عمیقی در ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه‌ی لبنان پدید آورد و تأثیر به‌سزایی در پیشرفت زنان لبنانی در عرصه‌های مختلف داشت. علاوه بر این حوادث ناگوار داخلی سبب وخامت اوضاع در تمام بخش‌ها گردید و این تأثیر منفی منجر به پیدایش شکاف عمیق‌تری در جامعه‌ی لبنان در زمینه‌ی تحصیل و ظرفیت‌سازنده و خلاق زنان و مردان شد. در نتیجه، این پیامد بر تمام برنامه‌ها و اقدامات مربوط به توسعه و پیشرفت تأثیر منفی نهاد. در زمینه‌ی فعالیت اقتصادی، مشارکت کاری زنان لبنانی در سطح بسیار پائینی قرار دارد. با این وجود آنان مایلند به عنوان نان‌آور ثانوی مورد توجه قرار گیرند. این امر ناشی از فرصت‌های کاری محدود خصوصاً در مورد بانوان است. شرایط کاری استثمار گونه و عدم وجود فرصت‌هایی برای تشویق و پیشرفت، گاهی موانعی برای مشارکت واقعی و مؤثر زنان لبنانی در اقتصاد محلی و قلمرو برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری محسوب می‌شود (همان).

در اوایل سال ۱۹۷۰ بسیاری از بانوانی که برای ثبت نام در نیروی کار انتخاب شدند و عمدتاً در مشاغلی از جمله تدریس، کار اداری، پرستاری، صنایع دستی، خیاطی و صنعت نساجی، خدمات متعدد و نیز کارهای کشاورزی و بازرگانی به خدمت پرداختند. در این فاصله، و در میان سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ شاهد پیشرفت واقعی و حرکت چشمگیر زنان در بخش‌های جدید و غیرسنتی بودیم. سهم کارکرد زنان در مشاغل روشن‌فکرانه، هم‌چون وکلاء، مهندسان، فیزیک دانان، داروسازان، قضات، مدیران بانک‌ها، چهره‌های شاخص رسانه‌ای، مدرسان دانشگاه‌ها و محققان حوزه‌های ادبی، هنری و علمی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت.

واقعیت تحصیل در لبنان، نشان دهنده‌ی افزایش میزان ثبت نام در تمامی سطوح تحصیلی از ابتدایی و دبیرستان گرفته تا مراحل عالی دانشگاهی می‌باشد. با آن‌که در کشور لبنان میان تحصیل‌کردگان زن و مرد، تقریباً نسبت تساوی برقرار است، اما این برابری فرصت، به گزینش متفاوت تخصص برای بانوان تعبیر نمی‌شود. در نتیجه میزان ثبت نام دختران در آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح پایینی قرار دارد و ثبت نام آنان در رشته‌های ریاضی، فیزیک و شیمی در مقایسه با هم‌تایان مذکرشان جزئی و اندک است. علاوه بر این برخی از دختران تحت تأثیر رسوم و ارزش‌های رایج قرار می‌گیرند و نقش زنان به عنوان یک عامل اقتصادی و یا یک نان‌آور اصلی مورد حمایت و تشویق قرار نمی‌گیرد. در حقیقت این ارزش‌ها و سنت‌ها هستند، که نقش مؤثرتری دارند.

از سوی دیگر روند رو به رشدی در خصوص آموزش عالی برای بانوان به چشم می‌خورد، که به عنوان وسیله‌ای برای کسب آموزش شخصی تلقی می‌شود. یعنی مطالعه برای به دست آوردن یک مدرک دانشگاهی به جای آن که یک مرحله‌ی مقدماتی در جهت یافتن شغل و حرفه‌ای تخصصی باشد، هموار کردن راهی برای ازدواج محسوب می‌گردد. شکاف میان آموزش عالی و کسب تخصص و تبدیل مدرک دانشگاهی به یک حرفه و کار تمام وقت هنوز هم کاملاً هویدا است (همان).

نیازی به گفتن نیست که این واقعیت جاه‌طلبانه، زنان را در مقایسه با مردان در بازار کار محدود می‌کند. علاوه بر این در میان بانوانی که وارد نیروی کار می‌شوند، برای بسیاری از آنان برقراری توازن و اجرای مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی به دلیل عدم وجود خدمات اجتماعی مورد نیاز امری دشوار است. به همین دلیل زنان مجبور به پذیرش مشاغل نیمه وقتی هستند، که ساعت کاری آن‌ها محدود باشد. البته این‌گونه مشاغل بسته به شرایط جسمانی و عقلانی دارای محدودیت‌هایی نیز هستند. بدیهی است که این روند به وضوح بر حضور غالب زنان در مشاغل اداری و خدمات عمومی تأثیر می‌گذارد.

از این گذشته مشکلات دیگری نیز گریبان‌گیر آنان است؛ نگرش سنتی والدین و جامعه نسبت به کار زنان، تحت فشار گرفتن آنان برای ازدواج زود هنگام و عدم اجازه کار پس از ازدواج، از احساس تعهد و از خود گذشتگی دختران جوان نسبت به انجام کارهای خانه می‌کاهد و سطح پایین آموزش را به دنبال دارد. از سوی دیگر قوانین مغرضانه‌ای که تضمین‌کننده‌ی فرصت‌های شغلی برابر، درآمد کافی و ترفیع بانوان نیست، فرصت واقعی برای دسترسی به قلمرو تصمیم‌گیری‌های مدیرانه، منطقی و اجرایی را از زنان لبنانی سلب می‌کند. آمارهای ارائه شده درباره وضعیت زنان لبنان، بیانگر مشارکت محدود آنان در تصمیم‌گیری‌های سطوح بالای مدیریتی است، که در زیر به آن اشاره می‌شود:

- نمایندگان پارلمان: ۳ نماینده زن از مجموع ۱۲۸ نفر نماینده؛

- سفیران: ۲ سفیر زن از مجموع ۵۳ سفیر؛

- مدیرکل: ۳ مدیرکل زن از مجموع ۲۲ مدیرکل؛

- رئیس دانشگاه: یک رئیس زن از مجموع ۱۳ رئیس؛

- اعضای شورای شهر: ۱۳۹ زن از مجموع ۱۰۲۲ عضو؛

- شهردار: ۲ شهردار زن؛

- انجمن معلمان: یک عضو زن از مجموع ۱۲ عضو هیأت مدیره؛

نگرشی بر حضور زنان لبنانی در عرصه‌های فرهنگی ۱۱۳

- اتحادیه مهندسان: عدم حضور عضو زن در هیأت مدیره اتحادیه؛
- اتحادیه پزشکان: عدم حضور عضو زن در هیأت مدیره اتحادیه؛
- اتحادیه داروسازان: انتخاب یک زن برای دو دوره به ریاست این انجمن؛
- اتحادیه دندان‌پزشکان: انتخاب یک زن تنها برای یک دوره به ریاست این انجمن؛
- کانون وکلا: عضویت دو زن در هیأت مدیره این کانون؛
- قضات شورای مشورتی دولتی: ۶ قاضی زن از مجموع ۳۶۵ نفر؛
- قاضی دادگاه دادرسی: ۱۸٪ قضات از مجموع ۳۶۵ نفر.

بی‌تردید ماندگارترین شکل حضور زنان لبنان در عرصه‌ی ادبی تحقق یافت که در خور اعتنا و شایسته بررسی توصیفی - تحلیلی است. به نظر می‌رسد سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۰ میلادی ظرفیت مناسبی برای این بررسی و بیان ویژگی‌هایی ادبیات زنان لبنان باشد. چه، اغلب حوادثی که طی دو قرن اخیر در این کشور روی داد و موضوعات «ادبیات زنان» را فراهم آورد، طی ربع اخیر قرن بیستم تکرار شد و بیشتر چشم‌داشت‌ها و اکثر تلخ‌کامی‌ها در صورت جدیدی نمودار گردید. اما برای درک این چشم‌داشت‌ها گریزی از بیان سابقه‌ی تاریخی رویدادهای این کشور نیست، تا دستمایه‌ی فهم شرایط و دریافت فضای حاکم بر این دوره از تاریخ معاصر لبنان فراهم آید و تحلیل دقیق‌تری بر آثار ادبی صورت پذیرد.

زنان لبنانی طی تجاوزات اخیر رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان، متحمل رنج‌های بسیاری گشته و غالباً خود قربانی این حوادث بوده‌اند. افزون بر آن بسیاری از آنان بر اثر تهاجمات اسرائیل آواره گشتند و یا همسرانشان را از دست دادند و خود نان‌آور خانواده بودند. پر واضح است که زنان در جریان این جنگ‌ها و سایر جنگ‌های داخلی لبنان از خود گذشتگی‌های فراوانی داشتند. علاوه بر آن زنان لبنانی عامل اصلی حفظ و نگهداری قوام خانواده، یکپارچگی و همبستگی آن محسوب می‌شوند. آنان در دفاع از سرزمین و ملت خود با شجاعت، شهامت، مبارزه و شهادت خویش به میراث تاریخی لبنان غنا بخشیدند.

سخن دیگر درباره نوآوری زنان لبنانی در عرصه‌های مختلف هنری و ادبی است. زنان نویسنده به بررسی مسائل مهمی هم‌چون آزادی، عشق و استقلال ملی (در ابعاد انسانی و جغرافیایی آن) پرداختند. تلاش‌های چشمگیر آنان در این باره به تحکیم موقعیتشان انجامید و بر موجودیت و هویت انسانی ایشان صحنه گذاشت. با توجه به حوادث سال‌های اخیر لبنان و تجاوزات رژیم صهیونیستی به این کشور، می‌توان دریافت که عوامل

تنش‌ناشی از بافت اجتماعی لبنان از یک‌سو و چشم‌داشت رژیم صهیونیستی به منابع طبیعی لبنان و تمایل این رژیم به قبضه کردن اقتصاد حوزه‌ی دریای مدیترانه، پیوسته کشور لبنان را در کانون خطر قرار داده‌است. شاید این احساس خطر بوده که از دیرباز راه مهاجرت را بر روی شهروندان آن کشور اعم از زن و مرد گشود و در جستجوی امنیت و وضعیت معیشتی مناسب آنان را روانه‌ی دیار غربت کرد. زندگی در غربت احیاناً روحیات شهروندان لبنانی را چنان صیقل داد که از عاطفه و احساس خود نسبت به وطن و مواهب سحرانگیز طبیعی آن با زبان ادبیات سخن گفتند. آنان تعلق خاطر خود را نسبت به وطن بیان داشتند و به آفرینش مضامینی متفاوتی در این عرصه پرداختند (خفاجی، ۱۹۸۶: ۸۱ - ۷۹).

در واقع «ادبیات مهاجر» بر اثر واقعیت‌گریزی ادبا پدید آمد و از آن‌جا که سرشار از روحیه‌ی شرقی بود تا حدود زیادی به ادبیات رومانتیک نزدیک گشت. اما به دلیل نوع آمیختگی واژگان خیال‌انگیز و کلمات واقعی شکل دلپذیری را از واقعیت و رویا به رشته سخن درآورد و بدینسان بر ادبیات لبنان تأثیر نهاد (مقدسی، ۱۹۸۸: ۲۸۶).

سبک ادبیات مهاجر از طریق آثار ادبای این سبک، به لبنان راه یافت و مورد استقبال زنان ادیب لبنانی قرار گرفت. از آن‌جا که تعابیر این آثار جذاب بود و در اثر آشنایی پدید آورندگان آن با مفاهیم اجتماعی - فرهنگی تمدن جدید، نظام فکری حاکم بر آن با نظام فکری رایج تفاوت داشت، این آثار در خروج لبنان از رکود ادبی ناشی از فضای درگیری و جنگ داخلی مؤثر واقع شد و به تقویت نوگرایی در فنون ادبی انجامید (صمیلی، ۱۹۸۰: ۳۱؛ ورقی، ۱۹۸۴: ۶). گفتنی است که در قرن نوزدهم میلادی لبنان شاهد جنگ‌های داخلی بسیاری بود. نبردهای دولت عثمانی با دولت‌های هم‌جوار از یک‌سو و سرکوب شورش‌های داخلی لبنان از سوی دیگر این کشور را درگیر ناامنی مضاعف کرد. چندان‌که تا ۱۸۶۰ این خطه در آتش جنگ و پیامدهای مصیبت بار آن می‌سوخت. البته در این سال با دخالت دولت‌های بیگانه لبنان به نوعی استقلال داخلی دست یافت (رفیعی، ۱۳۷۹: ۱۱۲-۱۱۴؛ حجتی، ۱۳۶۴: ۴۷-۴۸؛ حقی، ۱۳۷۰: ۳/۱۵۲).

نوگرایی ادبی در طول سال‌های نخست دهه بیست نمود بارزتری داشت. ادبیات زنان لبنان در این برهه از زمان با انبوه آثار ترجمه شده از زبان فرانسه مواجه گشت، که روز بروز حجم آنان افزایش می‌یافت و در مجلات، روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه‌ها و کتاب‌ها منتشر می‌شد. در نتیجه فضایی رومانتیک و سمبولیکی را در ادبیات لبنان پدید آورد که سخت مورد استقبال خوانندگان قرار گرفت و تا عمق جان‌شان ریشه گسترانید (موسی، ۱۹۸۰: ۲۳-۲۱).

نگرشی بر حضور زنان لبنانی در عرصه‌های فرهنگی ۱۱۵

چنین تأثیری ناشی از هماهنگی روانی این آثار با شرایط حاکم بر جامعه‌ی جنگ‌زده لبنان بود. فشار روانی ناشی از تحمل شرایط دشوار جنگ و صدمات ناشی از آن، روان جامعه را به گریز از واقعیت تلخ پیامدهای جسمی، روحی و حتی اقتصادی جنگ سوق داد و آن را به سمت رویای شیرین آسایش، امنیت و برخورداری از مواهب مادی و معنوی متمایل ساخت. در نتیجه اندیشه به دامن خیال چنگ آویخت تا اندکی از سنگینی فشار آن پیامدها بکاهد.

بدینسان آثار رومانتیک با استعداد چشمگیر در تخفیف بار واقعیت‌ها، به ادبیات زنان لبنان راه یافت. به دلیل تکیه رومانتیسم بر احساس و عاطفه، گرایش‌های رومانتیک نیز در آثار بانوان فرهیخته لبنانی پدیدار شد و در روزنامه‌ها و مجلات تخصصی بانوان به چاپ رسید و در دسترس عموم قرار گرفت. این مجلات از آن جمله‌اند: مجله «صوت المرأة» (۱۹۴۴) با صاحب امتیازی جامعه بانوان لبنان؛ مجله‌ی سیاسی «المستقبل» با صاحب امتیازی بانو «لطوف» که بیش از یک ربع قرن انتشار آن دوام یافت؛ مجله «فتاه لبنان» (۱۹۱۴) از سلمی ابو راشد؛ مجله «فتاه الوطن» (۱۹۱۹) از مریم زمارم؛ مجله «الفجر» (۱۹۱۹) از نجلاء ابواللمع؛ مجله «القدر» (۱۹۱۹م) از عقیفه صعب (بولتن مرجع، ۱۳۷۸: ۴۵۳ - ۴۵۲). هر چند این آثار در آغاز نه به منظور بیان صریح احساس و ارتباط روحی با موضوع، بلکه تقلیدی از شیوه‌ی جدید نگارش بود، اما به دلیل ماهیت روزنامه، اندک‌اندک پیشرفت فنون روزنامه‌نگاری را به دنبال داشت (خطیب، ۱۹۹۶: ۵۷).

شایان ذکر است که لبنان را باید به حق کشور مطبوعات و مرکز انتشارات و تبلیغات خاورمیانه‌ی عربی و شمال آفریقا دانست. در این کشور ۲۰۰ بنگاه انتشاراتی و ۴۰۰ چاپ‌خانه وجود دارد، که حداقل ۱۲۰ واحد آن در سطح استانداردهای بین‌المللی به کار چاپ می‌پردازند. مطبوعات لبنان به زبان‌های عربی، فرانسه، انگلیسی و ارمنی منتشر می‌شود و شمار مجلات و نشریات این کشور از رقم ۴۴۵ فراتر می‌رود. مهم‌ترین روزنامه‌های لبنان عبارتند از النهار، السفیر، الانوار، العمل، البیرق، اللواء، الاحرار، النداء، الشرق (نادری، ۱۳۷۶: ۵۰ - ۴۹).

در واقع هم‌زمان با سخن از سجع و آرایه‌های کلامی، احیای زبان عربی و غنای اصطلاحات آن جهت تهذیب ذائقه ادبی، نثر روزنامه‌ای که در عین حال سلیس، ساده و روان بود، مورد استقبال بانوان فرهیخته لبنانی قرار گرفت. با شکل‌گیری فن مقاله‌نویسی، مقالات به عدد موضوعات تنوع یافت و با پردازش فنی به بیداری فکری کمک نمود. زیرا بسیاری از اهل نظر درباره‌ی فرد و جامعه، سیاست و اقتصاد، فرهنگ و مفاهیم تمدن جدید دست به قلم بردند و افکار خود را از لابلای صفحات مختلف

مطبوعات به آگاهی عموم رساندند (کلاس، ۱۹۹۳: ۱۷ - ۱۶، ۳۵؛ گیب، ۱۳۶۶: ۳ - ۲). در این بین بانوان با زاویه‌ی دید زنانه به موضوعات پرداخته و با ادبیات خاص خود مضامین جدیدی را وارد حوزه‌ی اندیشه نمودند که باعث قوام یافتن جایگاه زنان لبنان گشت و جنبشی که از نیمه‌ی دوم سده نوزدهم با رویکرد اجتماعی - بهداشتی آغاز شد، با مطالبات فرهنگی ادامه یافت.

در هر حال باید گفت ادبیات زنان لبنان دستاورد خردورزی بانوان اندیشمند در مسائل فردی و اجتماعی و مولود نیک اختر قرن اخیر است که بر پایه‌ی نظریه‌پردازی صاحبان نظر و اندیشه درباره‌ی کیفیت حضور زن در جامعه استوار گردید. سپس با فراهم آمدن فضای جنبش در خاورمیانه‌ی عربی و وارد شدن بانوان عرب در فعالیتهای اجتماعی، اندیشه‌ی حضور زن به گردهمایی‌ها و محافل فکری راه یافت و به یاری رسانه‌های جمعی در اختیار خرد عام قرار گرفت. آن‌گاه بانوان فرهیخته با ارائه تعاریف نو به ارتقاء اندیشه درباره‌ی هویت زن و زوایای متکثر شخصیت او پرداختند و با رویکرد به نگارش ادبی با قلمی خیال‌انگیز و به مدد انواع ادبی ابعاد وجودی زن را هویدا ساختند. در آن میان هنر داستان‌نویسی بیش از هر فن دیگری توجه بانوان نویسنده لبنانی را به خود جلب کرد و مجموعه آثار ارزش‌مندی پدید آورد.

نتیجه‌گیری

از بررسی مطالب گذشته دریافتیم که نخستین حضور اجتماعی بانوان لبنانی به اوایل سده‌ی نوزدهم میلادی باز می‌گردد. آنان نخست در قالب تشکیل جمعیت‌های نیکوکاری جهت همیاری با قشرهای آسیب‌پذیر جامعه به فعالیت پرداختند. با این همه جلوه‌های مشارکت بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، تا سده‌ی بیست میلادی آهنگ بسیار کندی داشت. هم‌زمان با پایان دوره‌ی تحت‌الحمایگی لبنان و اعلام استقلال این کشور، جنبش زنان نیز در کشاکش یک‌سری رخدادهای سیاسی به موفقیت‌های چشمگیری در زمینه‌ی اشتغال و آموزش دست یافت. از آن پس بانوان لبنانی بر پایه‌ی حفظ منافع مشترک، در کانون‌های مختلفی به فعالیت می‌پرداختند و بعدها توانستند تشکلهای جدید دیگری را پی‌ریزی کنند. در هر حال با راه یافتن سه تن از بانوان لبنانی به پارلمان این کشور و اشتغال پست‌های حساس وزارتی، راه برای دستیابی زنان لبنان به حقوق اجتماعی و سیاسی قابل توجهی هموار گشت. با این همه حضور فعال تر زنان در عرصه‌های مهم تصمیم‌گیری باز هم مستلزم تلاش بیشتر خود آنان بود.

نگرشی بر حضور زنان لبنانی در عرصه‌های فرهنگی ۱۱۷

از این رو در دهه‌های اخیر سده بیست پیشرفت واقعی و حرکت چشمگیر زنان در بخش‌های جدید و غیرسنتی کاملاً مشهود بود. سهم کارکرد زنان در مشاغل روشن‌فکرانه هم‌چون وکلاء، مهندسان، فیزیک‌دانان، داروسازان، قضات، مدیران بانک‌ها، چهره‌های شاخص رسانه‌ای، مدرسان دانشگاه‌ها و محققان حوزه‌ی ادبی، هنری و علمی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت.

البته در این فراز و نشیب موانع و چالش‌های بی‌شماری فراروی زنان لبنانی قرار داشت که نگرش سنتی والدین و جامعه نسبت به کار زنان، تحت فشار گرفتن آنان برای ازدواج زود هنگام و عدم اجازه کار پس از ازدواج، از احساس تعهد و از خود گذشتگی دختران جوان می‌کاست و سطح پایین آموزش را به دنبال داشت. از سوی دیگر قوانین مغرضانه‌ای که تضمین‌کننده‌ی فرصت‌های شغلی برابر، درآمد کافی و ترفیع بانوان نیست، فرصت‌های واقعی برای دسترسی به قلمرو تصمیم‌گیری‌های مدیرانه، منطقی و اجرایی را از زنان لبنانی سلب می‌کرد.

منابع

- بستانی، صبحی (۱۹۸۸) الادب اللبناني الخی، دارالتهار للنشر: بیروت.
- (۱۳۷۸) بولتن مرجع فنیسم مدیریت مطالعات اسلامی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهمدی.
- حجتی کرمانی، علی (۱۳۶۴) لبنان به روایت امام موسی صدر و دکتر چمران، تهران: انتشارات قلم.
- حقی، اسماعیل (۱۳۷۰) تاریخ عثمانی، ترجمه‌ی ایرج نوبخت، چاپ اول، تهران: کیهان.
- خطیب، حنیفه (۱۹۹۶) تاریخ تطور الحركة النسائية فی لبنان و ارتباطها بالعالم العربی، دارالحدائث: بیروت.
- خفاجی، عبدالمنعم (۱۹۸۶) قصة الادب المهجری، دارالكتاب اللبناني: بیروت
- رفیعی، رفیع (۱۳۷۹) تاریخ جدید کشورهای عربی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شرابی، هشام (۱۳۶۸) روشن‌فکران عرب و غرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- صمیلی، یوسف (۱۹۸۰) الشعر اللبناني اتجاهات و مذاهب، بیروت: دارالوحده.
- کلاس، جورج (۱۹۹۳) الصحافة الفكرية، بیروت: بی‌جا.
- گیب، هامیلتون (۱۳۶۶) ادبیات نوین عرب، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مغیزل، لور (۱۹۸۵) المرأة فی التشريع اللبناني فی ضوء الاتفاقات الدولية، بیروت: نشر نوفل.
- مقدسی، انیس (۱۹۸۸) الاتجاهات الادبية فی العالم العربی الحديث، بیروت: دارالعلم للملایین.
- موسی، منیف (۱۹۸۰) الشعر العربی الحديث فی لبنان، بیروت: دارالعودة.
- نادری سمیرمی، احمد (۱۳۷۶) لبنان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

١١٨ پژوهش زنان، دوره ١، شماره ٢، زمستان ١٣٨٨

ورقی، سعید (١٩٨٤) فی الادب العربی المعاصر، بیروت: دارالنهضة العربیه.

File: A: welcome to Nclw.htm

